از حق مالی تا اهرم خروج:
تحلیل اقتصادی مهریه در حقوق خانواده ایران

دکتر نازنین عزیزمحمدی
پژوهشگر حقوق عمومی و جنسیت
مهر ۱۴۰۵

طرح اخیر اصلاح مقررات مهریه، مجدداً بحث تعداد سکه و حبس بدهکار مهریه را مطرح کرده است. مجلس شورای اسلامی در اول شهریور ۱۴۰۵ مصوبه‌ای را تصویب کرد که درصدد کاهش دامنه اعمال ضمانت اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی از صد و ده سکه به چهارده سکه بود؛ اصل دین مهریه به چهارده سکه محدود نمی‌شد. این طرح همچنین برای برخی محکومان مالی، نظارت الکترونیکی را به‌جای زندان پیش‌بینی می‌کرد. البته موضوع این طرح فقط سکه و حبس نبود، بلکه شناسایی اموال، تغییر اقساط مهریه در شرایط نوسان قیمت و بعضی قواعد طلاق و حق حبس زن را هم در بر می‌گرفت. در نهایت شورای نگهبان و هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام به بخش‌هایی از مصوبه ایراد گرفتند. از جمله، شورای نگهبان سقف عددی چهارده سکه را جایگزین مناسبی برای تشخیص اعسار یا ایسار بدهکار ندانست. متن برای اصلاح به مجلس بازگشت.[1]

اما بحث «چهارده یا صدوده سکه» به‌تنهایی مسئله را نشان نمی‌دهد. مهریه یک طلب مالی جدا از بقیه حقوق خانواده نیست. ارزش آن به این بستگی دارد که زن بتواند طلاق بگیرد، درآمد و مسکن داشته باشد، از دارایی‌های دوران ازدواج سهم ببرد و حکم دادگاه را اجرا کند. هنگامی که قانون راه وصول مهریه را تغییر می‌دهد، ممکن است قدرت هر یک از زوجین در ازدواج و هزینه طلاق هم تغییر کند.

این تحلیل در دفاع از زندانی‌کردن بدهکار ناتوان یا مهریه‌های نامتناسب نیست و شکل رایج مهریه در نظام حقوق خانواده ایران مشکل‌آفرین است. گاهی مبلغی که هنگام عقد نوشته می‌شود با توان پرداخت ارتباطی ندارد و قیمت سکه نیز می‌تواند تعهد را ناگهان سنگین کند. وصول مهریه ممکن است سال‌ها به طول بینجامد و گاهی هم زنی که این حق را پشتوانه خود می‌داند، برای گرفتن طلاق ناچار به بذل آن می‌شود. پس اصلاح ساختاری لازم است، اما ترتیب این اصلاح اهمیت بیشتری دارد و اگر ابزار وصول ضعیف شود و حمایت دیگری جای آن نیاید، خطر اقتصادیِ طلاق بیشتر بر دوش زن می‌افتد.

---

[1] شورای نگهبان، «جزئیات بررسی طرح موسوم به مهریه در شورای نگهبان»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۵؛ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، ماده ۲۲. متن تفصیلی مصوبه در «طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی»، اختبار، ۲۵ شهریور ۱۴۰۵، منتشر شده است.

مهریه چرا کارکرد اقتصادی پیدا کرد؟

در فقه امامیه و حقوق ایران، صداق به‌عنوان حق مالی خود زن شناخته شده است. آیه ۴ سوره نساء از پرداخت آن به زنان سخن می‌گوید و ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی ایران نیز می‌گوید زن از زمان عقد مالک مهر است. از این نظر، مهر را نباید با «قیمت زن» یا پولی که به خانواده او داده می‌شود یکی گرفت.

البته مهریه در همه زمان‌ها و جوامع یک فلسفه و کارکرد نداشته است. پژوهش‌های تاریخی، از جمله مطالعه یوسف راپاپورت درباره قاهره، دمشق و بیت‌المقدس در اواخر سده‌های میانه، نشان می‌دهند که مهر نقد، مهر مؤخر و دیگر پرداخت‌های ازدواج در دوره‌های مختلف نقش یکسانی نداشته‌اند. از این رو، برای فهم کارکرد مهریه باید به حقوق مالکیت زن، امکان کارکردن او، قواعد طلاق و توان دادگاه در اجرای تعهد نگریست.[2]

در ایران امروز، مهریه معمولاً «عندالمطالبه» است؛ یعنی زن می‌تواند آن را مطالبه کند و لازم نیست تا طلاق صبر کند. گاهی هم مهر «عندالاستطاعه» تعیین می‌شود و پرداخت آن به توان مالی مرد وابسته است. بااین‌حال، بسیاری از اختلافات درباره مطالبه مهریه هنگام فروپاشی زندگی مشترک جدی می‌شوند. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی نیز برای مهر حال، حق حبس پیش‌بینی کرده است: زن می‌تواند تا دریافت مهر، از انجام وظایف مقرر در آن ماده خودداری کند.[3]

ماهیت مهر و ناهم‌زمانی تعهدات

درباره ماهیت نکاح و نسبت مهر با بُضع در فقه امامیه اختلاف است. یک نظر مهر را عوضِ بُضع می‌داند؛ نظر دیگر آن را نحله یا حق مالی زن می‌شمارد. در قرائت میانه، نکاح معاوضه محض نیست، اما بعضی آثار معاوضی را دارد. به نظر نگارنده، این قرائت سوم با مجموعه احکام قانون مدنی سازگارتر است.[4]

در قانون فعلی، ماده ۱۰۸۲ زن را از زمان عقد مالک مهر می‌شناسد و ماده ۱۰۸۵ برای مهر حال، حق حبس به او می‌دهد. اگر زن پیش از دریافت مهر به اختیار خود به ایفای وظایف موضوع ماده ۱۰۸۵ اقدام کند، طبق ماده ۱۰۸۶ حق حبس او از بین می‌رود، هرچند حق مطالبه مهر باقی است. ماده ۱۰۸۷ با پذیرش صحت نکاح دائم بدون تعیین مهر نشان می‌دهد که نکاح معاوضه محض نیست. در عین حال، ماده ۱۰۹۲ با تنصیف مهر در طلاق پیش از نزدیکی، پیوند مهر با رابطه زناشویی را نشان می‌دهد. این دو حکم از قرائتی میانه پشتیبانی می‌کنند. مالکیت فوری زن هم به‌تنهایی دلیلی علیه منطق معاوضی نیست؛ در بیع نیز مالکیت دو عوض

---

[2] Yossef Rapoport, Marriage, Money and Divorce in Medieval Islamic Society. Cambridge Studies in Islamic Civilization (Cambridge: Cambridge University Press, 2005). https://doi.org/10.1017/CBO9780511497506

[3] قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مواد ۱۰۸۲ (و تبصره الحاقی ۱۳۷۶)، ۱۰۸۵، ۱۱۱۹ و ۱۱۳۰. همچنین مواد ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۹۲، ۳۶۲ و ۳۷۷ قانون مدنی.

[4] مهدی صفری و مجتبی مسعودی، «کاوشی در ماهیت و جایگاه عقد نکاح با تأکید بر شبه‌معاوضی بودن آن از منظر فقه امامیه»، فقه و تاریخ تمدن، دوره ۲۱، شماره ۷۹ (بهار ۱۴۰۳): ۶۴–۷۷. همچنین قانون مدنی، مواد ۱۰۸۲، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۹۲، ۳۶۲ و ۳۷۷.

به مجرد عقد منتقل می‌شود (ماده ۳۶۲). همچنین حق خودداری از تسلیم در ماده ۳۷۷، نظیری برای حق حبس ماده ۱۰۸۵ است؛ این شباهت در ضمانت اجرا، به معنای یکسان‌بودن نکاح و بیع نیست.

عدم تعادل اقتصادی در جای دیگری است. دین مهر از همان عقد ایجاد می‌شود، ولی وصول آن ممکن است سال‌ها به تعویق بیفتد. در همین مدت، از زن ایفای وظایف زناشویی انتظار می‌رود و در عمل کار خانگی و مراقبتی او هر روز انجام می‌شود. افزون بر این، با تحقق شرط ماده ۱۰۸۶، ابزار حق حبس از دست می‌رود. اینجا وقتی از مهر به‌عنوان «بیمه» سخن می‌گویم، مقصود کارکرد اقتصادیِ احتمالی آن است، نه ماهیت فقهی مهر یـا قیمت‌گذاری زن.

حال زنی را در نظر بگیریم که در طول ازدواج از شغل یا مسیر درآمدی خود فاصله گرفته و بخش بزرگی از کار خانگی و مراقبت از فرزند را بر عهده داشته است. پس از طلاق هم سهم خودکاری از اموالی که در دوران زندگی مشترک به دست آمده ندارد. در این وضعیت، مهریه ممکن است بخشی از این خسارت مالی را جبران کند. از این رو، وقتی مسکن، حمایت اجتماعی یا درآمدی پایدار پس از طلاق در دسترس زن نباشد، مهریه شبیه یک بیمه خصوصی عمل می‌کند. اما این بیمه پولِ کنارگذاشته‌شده و تضمین‌شده‌ای نیست و ارزش آن به توان شوهر، پیدا شدن اموال او و امکان پیگیری دعوا بستگی دارد؛ بنابراین مهریه همیشه امنیت مالی ایجاد نمی‌کند. البته با این توضیح نمی‌توان آشفتگی وضع موجود را در باب زندانی‌کردن بدهکاران مهریه توجیه نمود، اما نشان می‌دهد چرا از مهریه بیش از ظرفیتش انتظار داریم. حقی که باید یکی از دارایی‌های زن باشد، در عمل جای چند حمایت دیگر را گرفته است: سهم از دارایی مشترک، جبران کار مراقبتی، پشتوانه زندگی پس از طلاق و گاهی امکان گرفتن رضایت شوهر به طلاق.

رقم عقدنامه با مال قابل وصول یکی نیست

مبلغی که در عقدنامه نوشته می‌شود، همان پولی نیست که زن سرانجام وصول می‌کند، بلکه باید دید آن مبلغ امروز چه ارزشی دارد، چه بخشی از آن قابل وصول است و گرفتنش چقدر زمان و هزینه می‌برد.

مثلاً پانصد سکه روی کاغذ ممکن است پشتوانه بزرگی به نظر برسد. اما اگر شوهر مال قابل شناسایی نداشته باشد، رسیدگی سال‌ها طول بکشد یا زن برای طلاق بخش زیادی از طلبش را بذل کند، ارزش واقعی آن بسیار کمتر است. در مقابل، مهریه کوچک‌تری که بخشی از آن همان زمان عقد پرداخت شده یا با دارایی مشخص تضمین شده است، شاید حمایت بهتری فراهم کند. این مثال برآوردی از پرونده‌های واقعی نیست، بلکه فرق میان وعده مالی و مال قابل وصول را نشان می‌دهد.

قیمت سکه هم این فاصله را بیشتر می‌کند. مهریه‌ای که هنگام عقد متناسب به نظر می‌رسید، با جهش قیمت طلا ممکن است از درآمد و دارایی شوهر بسیار فراتر برود.

فرزانگان و قلی‌پور با بررسی داده‌های سالانه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴، میان قیمت واقعی سکه و نرخ طلاق در ایران رابطه‌ای بلندمدت گزارش کرده‌اند. آنان تنش مالی را یکی از توضیح‌های احتمالی می‌دانند. این مطالعه رابطه علّی را اثبات نمی‌کند و جهش‌های قیمت سکه پس از ۲۰۱۸ را نیز پوشش نمی‌دهد. سکه می‌تواند ارزش حق زن را در برابر تورم حفظ کند، اما نوسان طلا و ارز را هم وارد زندگی خانوادگی می‌کند و درآمد بیشتر زوج‌ها هم‌پای قیمت طلا بالا نمی‌رود. بنابراین ممکن است ارزش مهریه روی کاغذ رشد کند، ولی وصول آن دشوارتر شود. البته سکه تنها راه حفظ ارزش مهریه نیست: بر اساس تبصره الحاقی ۱۳۷۶ به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، مهریه وجه رایج نیز متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه محاسبه می‌شود.[5]

مهریه و امکان خروج از ازدواج

قدرت هر فرد در ازدواج فقط به درآمد امروز او بستگی ندارد، بلکه باید دید اگر رابطه پایان یابد، چه گزینه‌هایی وجود دارد: فرد کجا زندگی می‌کند، از چه درآمدی برخوردار است و آیا می‌تواند طلاق بگیرد. در اقتصاد خانواده، وضعیت جایگزین فرد را «گزینه خروج» (outside option) می‌نامند. «نقطه تهدید» (threat point) در بعضی مدل‌ها وضع پس از طلاق است و در بعضی دیگر، زندگی غیرهمکارانه در همان ازدواج.[6]

در ایران، زن و مرد برای پایان‌دادن به ازدواج اختیار یکسان ندارند. زن می‌تواند در عقدنامه وکالت در طلاق یا شروط دیگری داشته باشد. راه دیگر، اثبات «عسر و حرج» بر پایه ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی است؛ یعنی نشان دهد ادامه زندگی برای او با سختی تحمل‌ناپذیر همراه است. اما این راه‌ها شرط و فرایند اثبات دارند. اختیار مرد برای طلاق عمومی‌تر است و همچنین قانونی وجود ندارد که به‌طور خودکار نیمی از اموال به‌دست‌آمده در ازدواج را به زن بدهد و نیز شرط تنصیفِ برخی عقدنامه‌ها محدود و مشروط است. این عدم تقارن با بند ۴ ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز سنجیدنی است که ایران عضو آن است؛ این بند دولت‌ها را به برداشتن گام‌های مناسب برای تضمین برابری حقوق و مسئولیت‌های زوجین هنگام ازدواج، در طول آن و هنگام انحلال آن ملزم می‌کند.[7]

در این شرایط، مهریه قابل وصول می‌تواند موقعیت زن را تغییر دهد؛ یعنی ممکن است هزینه طلاق یک‌جانبه یا رهاکردن تعهدات را برای شوهر بالا ببرد. همچنین هنگام طلاق، گاهی

---

[5] Mohammad Reza Farzanegan and Hassan F. Gholipour, “Does Gold Price Matter for Divorce Rate in Iran?” Journal of Family and Economic Issues 39, no. 4 (2018): 588–599. https://doi.org/10.1007/s10834-018-9581-8

[6] Marilyn Manser and Murray Brown, “Marriage and Household Decision-Making: A Bargaining Analysis.” International Economic Review 21, no. 1 (1980): 31–44. https://doi.org/10.2307/2526238

Shelly Lundberg and Robert A. Pollak, “Separate Spheres Bargaining and the Marriage Market.” Journal of Political Economy 101, no. 6 (1993): 988–1010. https://doi.org/10.1086/261912

Marjorie B. McElroy and Mary Jean Horney, “Nash-Bargained Household Decisions: Toward a Generalization of the Theory of Demand.” International Economic Review 22, no. 2 (1981): 333–349. https://doi.org/10.2307/2526280

Bina Agarwal, “‘Bargaining’ and Gender Relations: Within and Beyond the Household.” Feminist Economics 3, no. 1 (1997): 1–51. https://doi.org/10.1080/135457097338799

[7] سازمان ملل متحد، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، بند ۴ ماده ۲۳.

به مالی تبدیل می‌شود که زن با آن هزینه وکیل، مسکن یا بازگشت به کار را تأمین می‌کند. گاهی نیز زن برای گرفتن طلاق ناچار می‌شود همین حق را بذل کند.

ماده ۶ طرح اخیر این دوگانگی را به‌خوبی نشان می‌دهد. این ماده می‌خواست چند وضعیت را به تبصره ماده ۱۱۳۰ اضافه کند، از جمله زندگی جداگانه پیوسته به مدت یک سال، کراهت شدید زن و استناد به حق حبس پس از گذشت یک سال از عقد. گرچه به‌رسمیت‌شناختن این وضعیت‌ها می‌تواند راه طلاق را روشن‌تر کند، اما در متن مصوب، استفاده از آن‌ها به بذل همه حقوق مالی زن مشروط شده است. افزون بر این، اگر زن پیش‌تر حقی را وصول کرده یا مال و هدیه‌ای از شوهر دریافت کرده باشد، دادگاه می‌تواند به درخواست شوهر، صدور حکم طلاق را به بازگرداندن تمام یا بخشی از آن مشروط کند. شورای نگهبان روشن‌نبودن لزوم رعایت قوانین و مقررات در این استرداد را مبهم دانست. در چنین وضعی، پشتوانه مالی ممکن است به بهای خروج تبدیل شود.[8]

همه زنان به یک اندازه از مهریه بهره نمی‌برند. استفاده از این حق به آگاهی حقوقی، دسترسی به دادگاه، پیدا کردن دارایی شوهر و توان تحمل هزینه دادرسی بستگی دارد؛ به‌عنوان مثال، ممکن است خانواده‌های برخوردار بهتر از خانواده‌های کم‌درآمد از این قواعد استفاده کنند. اما اندازه این تفاوت در ایران بدون بررسی پرونده‌ها و داده‌های فردی مشخص نیست. داوری درباره کارکرد اقتصادی مهریه به همین داده‌ها وابسته است: مبلغ مندرج در عقدنامه و مبلغ وصول‌شده، مدت رسیدگی، نتیجه دعوای اعسار، دارایی کشف‌شده و مبلغی که زن برای گرفتن طلاق بذل کرده است.

تجربه مصر نشان می‌دهد که چرا دسترسی به طلاق مهم است. اصلاح خُلع به زن امکان داد بدون اثبات تقصیر شوهر طلاق بگیرد. در عوض، زن نفقه و مهر مؤخر را از دست می‌دهد و مهرِ دریافت‌شده را بازمی‌گرداند. کورادینی و بوچونه پس از این اصلاح، کاهش حدود هفت واحد درصدی خشونت شریک صمیمی را گزارش کرده‌اند. ثبت‌نام مدرسه میان فرزندان ۱۵ تا ۲۴ ساله نیز حدود شش واحد درصد بیشتر شد؛ اما آنان اثر معناداری بر مشارکت زنان در بازار کار نیافتند. کاهش خشونت در خانوارهای ثروتمندتر بزرگ‌تر برآورد شد، ولی تفاوت گروه‌های ثروت از نظر آماری معنادار نبود. لذا، تجربه مصر ثابت نمی‌کند زن باید برای طلاق حقوق مالی‌اش را بذل کند، بلکه نشان می‌دهد که دسترسی واقعی به راه خروج می‌تواند بر موقعیت زن در ازدواج اثر بگذارد.[9]

شکل فعلی مهریه چه آسیب‌هایی دارد؟

نخست، میان وعده و پشتوانه آن فاصله است. در مهریه معمولاً پول یا دارایی مشخصی از پیش کنار گذاشته نمی‌شود. زوجین می‌توانند هنگام عقد عدد بزرگی بنویسند و هزینه واقعی

[8] «متن مصوب اول شهریور ۱۴۰۵»، ماده ۶؛ شورای نگهبان، همان منبع یادداشت ۱.

[9] Viola Corradini and Giulia Buccione, “Unilateral Divorce Rights, Domestic Violence and Women’s Agency: Evidence from the Egyptian Khul Reform.” Journal of Development Economics 160 (2023): 102947. https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2022.102947

آن را به آینده بسپارند و وقتی زمان مطالبه برسد، شاید شوهر توان پرداخت نداشته باشد؛ از این رو، وعده بزرگ لزوماً امنیت واقعی نمی‌آورد.

دوم، وصول مهریه می‌تواند برای هر دو طرف پرهزینه باشد. دادگاه باید به توان مالی بدهکار، تقسیط، تغییر اقساط و شناسایی اموال رسیدگی کند. طبق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، بازداشت تحت شرایطی تا اجرای حکم، پذیرش اعسار یا جلب رضایت طلبکار ممکن است. «اعسار» یعنی ناتوانی از پرداخت بدهی. اگر بدهکار ظرف سی روز با ارائه صورت اموال دعوای اعسار مطرح کند، تا تعیین تکلیف بازداشت نمی‌شود. پس مسئله فقط زندان نیست، بلکه سرعت رسیدگی و تشخیص درستِ توان مالی هم اهمیت دارد و قانون باید کسی را که واقعاً توانایی پرداخت ندارد از کسی که عمداً دارایی خود را پنهان می‌کند جدا کند.[10]

سوم، کار خانگی و مراقبتیِ بدون مزد جبران کافی ندارد. کار خانگی شامل اداره روزمره خانه، مانند آشپزی و نظافت است؛ کار مراقبتی، نگهداری از کودک، سالمند یا بیمار را هم در بر می‌گیرد. تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی برای کارهایی که شرعاً به عهده زن نیست و عرفاً اجرت دارد، در صورت انجام به دستور شوهر و بدون قصد تبرع، اجرت‌المثل پیش‌بینی کرده است. اثبات شرایط مقرر در این تبصره، به‌ویژه دستور زوج و عدم قصد تبرع، می‌تواند محل اختلاف باشد. اجرت‌المثل نیز به‌خودی‌خود سهم زن از اموالی نیست که خانواده طی سال‌ها به دست آورده است. افزون بر این، به نظر نگارنده مبلغی که مراجع قضایی برای اجرت‌المثل در نظر می‌گیرند، با توجه به تورم و سرعت تغییر قیمت‌ها، بسیار ناچیز و کمتر از ارزش حقیقی کار خانگی زنان است؛ هرچند سنجش دقیق این فاصله به بررسی نظام‌مند آرای دادگاه‌ها نیاز دارد. به همین دلایل، مهریه هنوز بخشی از خلأ تقسیم دارایی و جبران کار خانگی و مراقبتی را پر می‌کند.[11]

این وضع را می‌توان نقد کرد، بی‌آنکه حکم فعلی قانون را نادیده بگیریم. تبصره ماده ۳۳۶ از کارهایی سخن می‌گوید که شرعاً به عهده زن نبوده است و خود، مصادیق آن‌ها را تعیین نمی‌کند. برای نمونه، در فتوای آیت‌الله سیستانی، کارهای متعارف منزل بدون شرط ضمن عقد بر زن واجب نیست. شرط «به دستور زوج» نیز با تقسیم تدریجی و نانوشته کار در بسیاری از خانواده‌ها به‌سختی تطبیق می‌یابد. ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده، در مورد مخارج متعارف زندگی مشترک که بر عهده شوهر است، پس از اثبات پرداخت زن از مال خود به امر یا اذن شوهر، اثبات قصد تبرع را بر عهده شوهر می‌گذارد. این حکم مستقیماً درباره کار خانگی نیست. با این حال، همان‌طور که پرداخت هزینه‌های بر عهده شوهر لزوماً بخشش زن محسوب نمی‌شود، انجام کاری که بر زن واجب نیست نیز نباید به‌خودی‌خود تبرعی فرض شود. به نظر نگارنده، قانون‌گذار می‌تواند برای کار مستمر خانگی و مراقبتی که شرعاً بر زن

---

[10] قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، ماده ۳.

[11] خدیجه مرادی و عاتکه قاسم‌زاده، «اجرت‌المثل زوجه در فقه و حقوق ایران با نظر به قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱»، *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، دوره ۴۸، شماره ۲ (۱۳۹۴): ۳۰۱–۳۱۷. همچنین تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی و مواد ۲۹ و ۳۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.

واجب نبوده، عرفاً اجرت داشته و با آگاهی و پذیرش شوهر انجام شده است، دو اماره قابل رد پیش‌بینی کند: وجود درخواست ضمنی شوهر و نبود قصد تبرع زن. در این پیشنهاد، زن باید انجام کار و اوضاع یادشده را اثبات کند و شوهر بتواند خلاف هر یک از دو اماره را نشان دهد. بنابراین پیشنهاد، هم دشواری اثبات دستور زوج و هم قصد تبرع را پوشش می‌دهد؛ این جابه‌جایی بار اثبات، نیازمند تصریح تقنینی است و به‌عنوان حکم فعلی معرفی نمی‌شود.[12]

چهارم، تکیه بیش از حد بر مهریه می‌تواند اصلاحات دیگر را عقب بیندازد و این تصور شکل می‌گیرد که نابرابری در حق طلاق، مالکیت و اشتغال با یک طلب مالی جبران می‌شود. در چنین الگویی، مرد تأمین‌کننده اصلی می‌ماند و زن در برابر وابستگی اقتصادی، وعده دریافت پول دارد. پیوند حقوقی میان مهر، نفقه و تمکین نیز می‌تواند همین رابطه نابرابر را حفظ کند.[13]

مهریه در این ساختار هم پشتوانه است و هم تله. پشتوانه است، چون در غیاب حمایت‌های دیگر ممکن است یکی از معدود دارایی‌های زن باشد. تله است، چون وجود همان طلب خصوصی می‌تواند اصلاح حق طلاق، تقسیم دارایی، ارزش‌گذاری کار خانگی و مراقبتی و مسئولیت دولت در حمایت پس از طلاق را عقب بیندازد. زن به‌جای حق برابر خروج، ابزاری برای مذاکره بر سر خروج دارد. به‌جای سهم روشن از دارایی مشترک، طلبی علیه شوهر دارد که شاید وصول شود و شاید نه.

اصلاح باید از کجا آغاز شود؟

شکل فعلی مهریه در واقع نیاز به اصلاح دارد، چرا که این ساختار امنیت زن را به‌گونه‌ای نامطمئن تأمین می‌کند و برای هر دو طرف ازدواج و دستگاه قضایی هزینه‌بر است. به‌درستی، طرح مجلس بعضی مشکلات واقعی در نظام حقوقی ازدواج را دیده است، مشکلاتی همچون پیدا کردن اموال بدهکار، تغییر اقساط در نوسان شدید قیمت و مقابله با انتقال مال برای فرار از بدهی. شاید بتوان بیشتر روی این بخش‌ها کار کرد و آن‌ها را روشن‌تر و دقیق‌تر نمود، اما سقف ثابتِ سکه جای بررسی توان مالی هر بدهکار را نمی‌گیرد و راه تازه طلاق زن هم نباید به بذل همه حقوق مالی او وابسته باشد.

نظام حقوق خانواده در ترکیه نمونه مفیدی برای مقایسه است. مهریه در قانون مدنی ترکیه اثر خودکار نکاح مدنی نیست؛ اما رویه قضایی، بعضی تعهدات مکتوب به مهر، به‌ویژه مهر مؤجل، را در قالب وعده هبه و قواعد عمومی تعهدات بررسی کرده است. تفاوت فقط در جایگاه مهر نیست. طبق مواد ۲۰۲، ۲۱۸ و ۲۱۹ قانون مدنی ترکیه، مشارکت در اموال اکتسابی رژیم مالی پیش‌فرض زوجین است. ماده ۱۶۶ امکان درخواست طلاق به علت فروپاشی بنیادین زندگی مشترک را برای هر دو همسر پیش‌بینی می‌کند و مواد ۱۷۴ و ۱۷۵،

---

[12] قانون مدنی، تبصره ماده ۳۳۶؛ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، ماده ۳۰؛ سید علی حسینی سیستانی، توضیح المسائل جامع، جلد ۴ (چاپ ۱۴۰۳)، مسئله ۲۷۰. اماره‌های درخواست ضمنی زوج و نبود قصد تبرع، با حدود بیان‌شده در متن، پیشنهاد تقنینی نگارنده‌اند. حکم ماده ۳۰ مستقیماً به اجرت کار خانگی تسری داده نشده است.

[13] Ziba Mir-Hosseini, “The Construction of Gender in Islamic Legal Thought and Strategies for Reform.” Hawwa 1, no. 1 (2003): 1–28. https://doi.org/10.1163/15692078-00101002

با شرایط قانونی، جبران خسارت و نفقه فقر پس از طلاق را نیز در نظر گرفته‌اند. تفاوت مهم در مجموعه این حقوق است: امنیت مالی زن فقط بر یک طلب دشوارالوصول تکیه ندارد. البته این الگو را نمی‌توان بدون توجه به ساختار سکولار حقوق خانواده در ترکیه، شیوه اجرای احکام در آن و حمایت‌های اجتماعی‌اش مستقیماً به ایران منتقل کرد.[14]

با توجه به این الگو و بررسی شرایط این حق مالی و کارکرد آن در حقوق خانواده ایران، اصلاح باید چند مسیر را با هم پیش ببرد:

۱. **زن نباید برای طلاق مجبور به بذل همه حقوق مالی‌اش شود.** زندگی جداگانه طولانی و کراهت شدید می‌توانند در ماده ۱۱۳۰ راه طلاق را روشن‌تر کنند، ولیکن استفاده از حق حبس نیز نباید به قیمت از دست دادن همه پشتوانه مالی زن تمام شود.

۲. در تقسیم اموال دوران ازدواج، کار خانگی و مراقبتیِ بدون مزد هم دیده شود. مالکیت رسمی را نباید تنها نشانه مشارکت دانست، چرا که بعضاً مراقبت از فرزند و خانه می‌تواند تنها به یکی از زوجین امکان کار خارج از خانه و کسب درآمد دهد؛ از این رو، مشارکت زن حین زندگی زناشویی در کارهای خانه و کار مراقبتی نیز باید مابه‌ازا و منفعت مالی قابل وصول داشته باشد. برای وصول اجرت‌المثل، اماره‌های قابل ردِ درخواست ضمنی زوج و نبود قصد تبرع، با شرایطی که در بخش پیشین پیشنهاد شد، می‌توانند موانع اثبات را کاهش دهند.

۳. **حمایت پس از طلاق باید در دسترس باشد.** تأمین هزینه فرزند، مسکن موقت، خدمات حقوقی و حمایت از قربانی خشونت می‌تواند فشار دوره گذار را کمتر کند.

۴. **مهریه باید پشتوانه قابل وصول داشته باشد.** پرداخت بخشی از آن در زمان عقد، انتقال دارایی مشخص، وجه نقدِ تعدیل‌شونده با تورم (که قانون مدنی هم‌اکنون امکان آن را فراهم کرده است) یا تضمین مالیِ قابل ردیابی می‌تواند از وعده چندصدسکه‌ایِ بی‌پشتوانه مفیدتر باشد.

۵. **زوجین باید پیش از امضا آثار تعهد را بفهمند.** اطلاع از وضعیت مالی، توضیح مهریه و شروط ضمن عقد و دسترسی به مشاوره مستقل، امکان تعهدات غیرواقعی را کمتر می‌کند.

۶. **ناتوانی واقعی باید از امتناع عمدی جدا شود.** ماده ۱۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، زندانی‌کردن شخص را صرفاً به‌سبب ناتوانی از اجرای تعهد قراردادی منع می‌کند. درباره شمول دقیق این عبارت بر مهریه می‌توان بحث کرد. اما بدهکار ناتوان را نباید مانند کسی دید که برای نپرداختن، مال خود را پنهان می‌کند.[15]

---

[14] Barış Demirsatan, “Translating Mahr into Secular Categories: Turkish Civil Law and the Legal Characterization of an Islamic Institution.” Religions 17, no. 10 (2026): 1112. https://doi.org/10.3390/rel17101112
همچنین قانون مدنی ترکیه، قانون شماره ۴۷۲۱، مواد ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۱۸ و ۲۱۹، متن منتشرشده در پایگاه مجلس ملی کبیر ترکیه.

[15] سازمان ملل متحد، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ماده ۱۱.

۷. **حقوقی که زنان بر اساس قانون موجود به دست آورده‌اند نباید ناگهان بی‌ارزش شود.** بعضی زنان با اتکا به همین قواعد درباره کار، فرزندآوری و مراقبت در خانواده تصمیم گرفته‌اند. اگر قانون تازه امکان وصول حقوق پیشین را تضعیف کند، آنان نمی‌توانند تصمیم‌های گذشته را دوباره بگیرند. از این رو، هر اصلاحی به مقررات انتقالی روشن نیاز دارد که تکلیف مهریه‌های تعیین‌شده پیش از لازم‌الاجراشدن قانون تازه را مشخص کند.

الگوی پیشنهادی اجرای دارایی‌محور و حمایت جایگزین

برای عملی‌کردن پیشنهادهای بالا باید میان کمبود قانون و ضعف اجرای آن فرق گذاشت. مادهٔ ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی توقیف بخشی از حقوق و مزایا را پیش‌بینی کرده و مواد ۱۹ و ۲۴ قانون نحوهٔ اجرای محکومیت‌های مالی نیز به استعلام اموال و مستثنیات دین اختصاص دارند. بنابراین، پیشنهاد تازه صرفاً افزودن این ابزارها نیست. پیشنهاد من، مهلت پاسخ‌گویی مشخص، ثبت قابل پیگیریِ استعلام‌ها، کاهش درخواست‌های تکراری و بررسی درآمدهای فاقد فیش حقوقی با امکان اعتراض بدهکار است. میزان تأخیر و هزینهٔ کشف مال باید با بررسی پرونده‌ها سنجیده شود.[16]

صندوق حمایت انتقالی نیز باید از تضمین پرداخت مهریه تفکیک شود. در مصر، صندوق تأمین خانواده بر پایهٔ قانون ۱۱ سال ۲۰۰۴ و زیر نظر بانک ناصر اجتماعی، پرداخت نفقهٔ حکم‌شده را پیش از وصول از بدهکار پشتیبانی می‌کند. توضیحات بانک، سقف پرداختِ بدون انتظار وصول را ۵۰۰ پوند در ماه اعلام می‌کند. این پوشش را نمی‌توان تضمین همهٔ حقوق مالی پس از طلاق، از جمله مهر مؤخر و متعه، دانست. گزارش سال ۲۰۰۴ دیده‌بان حقوق بشر نیز دشواری وصول از شاغلان بخش خصوصی و غیررسمی را در تجربهٔ پیشین بانک ثبت کرده است.[17]

درس این تجربه برای ایران، ضرورت بودجهٔ پایدار، تعدیل مبلغ حمایت با هزینهٔ زندگی و تعیین دقیق مشمولان است. پیشنهاد می‌شود صندوق، حمایت معیشتیِ موقت را تأمین کند و فقط در حدود تعهد قانونیِ شخص مسئول حق رجوع داشته باشد. ناتوانی او نباید پرداخت به زن را متوقف کند یا کمک را به بدهی زن تبدیل سازد. مهر همچنان طلبی مستقل باقی

---

[16] قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، مادهٔ ۹۶؛ قانون نحوهٔ اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، مواد ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۹ و ۲۴. مادهٔ ۱۰، دادگاه را پس از ثبت دادخواست اعسار به بررسی فوری وضعیت مالی مکلف می‌کند و مادهٔ ۱۱ رعایت معیشت ضروری بدهکار را در تقسیط لازم می‌داند. پیشنهاد متن ناظر به تکمیل و سنجش اجرای این تکالیف است.

[17] بانک ناصر اجتماعی، «صندوق تأمین خانواده»، معرفی صندوق موضوع قانون ۱۱ سال ۲۰۰۴ و سقف پرداخت نفقهٔ ماهانه پیش از وصول از بدهکار؛ تاریخ مشاهده: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۶. رقم ۵۰۰ پوند، رقم مندرج در صفحهٔ معرفی خدمت است. برای گزارش تاریخی دشواری وصول از بخش خصوصی و غیررسمی، بنگرید: دیده‌بان حقوق بشر، Divorced from Justice: Women’s Unequal Access to Divorce in Egypt، ۳۰ نوامبر ۲۰۰۴، بخش «The Family Insurance System Fund». این گزارش دربارهٔ تجربهٔ پیشین بانک است و ارزیابی عملکرد فعلی صندوق محسوب نمی‌شود.

می‌ماند. طرحِ جایگزینی صندوق مصر نیز باید جدا از سازوکار اجراشدهٔ سال ۲۰۰۴ بررسی شود.[18]

دربارهٔ شروط عقدنامه، پیشنهاد تقنینی مشخص آن است که حمایت‌هایی مانند مشارکت در دارایی‌های اکتسابی و وکالت در طلاق در موارد معین، با متن استاندارد، پیش‌فرض باشند و حذفشان به اعلام جداگانه و آگاهانه نیاز داشته باشد. این پیشنهاد، توصیف وضع فعلی یا نتیجهٔ خودکار مادهٔ ۱۱۱۹ نیست. برای جلوگیری از حذف صوری تحت فشار، توضیح مستقل آثار شرط و ثبت رضایت ضروری است؛ حمایت‌های حداقلیِ آمره نیز نباید با امضا کنار گذاشته شوند.[19]

رابطهٔ حقوق مالی هم باید روشن بماند: در الگوی پیشنهادی، مهریه صرفاً به دلیل دریافت سهم مشارکت از آن کسر نمی‌شود؛ منشأ این دو استحقاق متفاوت است. جلوگیری از احتساب مضاعف، ناظر به مطالبهٔ دوبارهٔ جبران یک کار یا مشارکت مشخص، مثلاً در محاسبهٔ اجرت‌المثل و سهم مشارکت، است. انتقال مال بابت مهریه نیز باید با همین عنوان ثبت شود تا با تسویهٔ مشارکت اشتباه نشود.[20]

برای صورت‌بندی فقهی این پیشنهاد، می‌توان ظرفیت شروط قراردادی، جبران کار و قاعدهٔ لاضرر را بررسی کرد. استناد به این قواعد به‌تنهایی برای اثبات اعتبار هر سازوکار کافی نیست. پیشنهاد باید با معیارهای بررسی شورای نگهبان و سیاست‌های کلی خانواده، که هیئت عالی نظارت بر آن‌ها تکیه کرده، نیز سنجیده شود. پویایی فقه در اینجا مستلزم توضیح نسبت ابزار تازه با حقوق مالی مستقل زوجین است.[21]

ارزیابی اجرای آزمایشی باید زمان نخستین پرداخت، نسبت طلب وصول‌شده، هزینهٔ دادرسی و وضعیت مسکن زن را ثبت کند. این داده‌ها امکان اصلاح سقف حمایت، بودجه و روش وصول را فراهم می‌کنند.

ترتیب این اصلاحات اهمیت دارد. ابتدا باید حق خروج، سهم از دارایی، جبران کار خانگی و مراقبتی و راه‌های مدنیِ وصول تقویت شود و پس از آن می‌توان نقش مهریه را کوچک‌تر و واقع‌بینانه‌تر کرد. از این رو، اگر ضمانت اجرا زودتر ضعیف شود، یک بیمه ناقص از دست می‌رود، بی‌آنکه بیمه بهتری جای آن بنشیند.

---

[18] سازمان دولتی اطلاع‌رسانی مصر، «تصویب پروژهٔ قانون ایجاد و تنظیم صندوق تکافلی حمایت از خانوادهٔ مصر در هیئت وزیران»، ۱۳ مه ۲۰۲۶؛ همچنین بوابه الاهرام، گزارش ارجاع پروژهٔ قانون صندوق به کمیسیون‌های مشترک مجلس، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶. این گزارش‌ها ناظر به مراحل پیشنهاد و بررسی قانون‌اند و به معنای لازم‌الاجراشدن جایگزینی صندوق نیستند.

[19] قانون مدنی، مادهٔ ۱۱۱۹. این ماده ظرفیت درج شروط سازگار با مقتضای نکاح را فراهم می‌کند؛ تبدیل شروط حمایتی به قواعد پیش‌فرض و تعیین حدود امکان حذف آن‌ها، پیشنهاد تقنینی نویسنده است و به بررسی مستقل حقوقی و فقهی نیاز دارد.

[20] قانون مدنی، مادهٔ ۱۰۸۲، دربارهٔ مالکیت زن نسبت به مهر از زمان عقد. عدم کسر خودکار مهریه از سهم مشارکت و شیوهٔ جلوگیری از جبران تکراری، اجزای الگوی پیشنهادی این مقاله‌اند و به‌عنوان حکم موجود دربارهٔ تقسیم دارایی معرفی نمی‌شوند.

[21] دربارهٔ ایرادهای وارد بر مصوبه، بنگرید به منابع یادداشت ۱. طرح استدلال بر پایهٔ قاعدهٔ لاضرر در این بخش، پیشنهاد پژوهشی است؛ از آن به‌تنهایی اعتبار فقهی یک رژیم مالی جدید یا اختیار حذف حقوق مستقل هیچ‌یک از زوجین نتیجه گرفته نمی‌شود.

هدف نهایی نباید حفظ مهریه‌های چندصدسکه‌ای یا بازگشت به بازداشت گسترده باشد. هدف باید تبدیل امنیت زن از یک طلب پرنوسان و دشوارالوصول به مجموعه‌ای از حقوق روشن و قابل اجرا باشد. مهریه در دوره گذار می‌تواند بخشی از این مجموعه باقی بماند، اما نباید جای حق برابر خروج، سهم از دارایی مشترک، استقلال اقتصادی و حمایت عمومی را بگیرد.

منابع

منابع فارسی

سیستانی، سید علی حسینی. توضیح المسائل جامع، جلد ۴، چاپ ۱۴۰۳، مسئله ۲۷۰. (مشاهده منبع)

صفری، مهدی و مجتبی مسعودی. «کاوشی در ماهیت و جایگاه عقد نکاح با تأکید بر شبه‌معاوضی بودن آن از منظر فقه امامیه». فقه و تاریخ تمدن، دوره ۲۱، شماره ۷۹ (بهار ۱۴۰۳): ۶۴–۷۷. (مشاهده منبع)

مرادی، خدیجه و عاتکه قاسم‌زاده. «اجرت‌المثل زوجه در فقه و حقوق ایران با نظر به قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱». فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۴۸، شماره ۲ (۱۳۹۴): ۳۰۱–۳۱۷. (مشاهده منبع)

شورای نگهبان. «جزئیات بررسی طرح موسوم به مهریه در شورای نگهبان». ۳۱ شهریور ۱۴۰۵. (مشاهده منبع)

اختبار. «طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی»، متن مصوب اول شهریور ۱۴۰۵. منتشرشده در ۲۵ شهریور ۱۴۰۵. (مشاهده منبع)

قوانین و اسناد حقوقی

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران؛ مواد ۳۳۶ (و تبصره)، ۳۶۲، ۳۷۷، ۱۰۸۲ (و تبصره)، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۹۲، ۱۱۱۹ و ۱۱۳۰. (مشاهده منبع)

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱؛ مواد ۲۲، ۲۹ و ۳۰. (مشاهده منبع)

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴؛ مواد ۲، ۳، ۱۰، ۱۱، ۱۹ و ۲۴. (مشاهده منبع)

قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶؛ ماده ۹۶. (مشاهده منبع)

قانون مدنی ترکیه، قانون شماره ۴۷۲۱؛ مواد ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۱۸ و ۲۱۹. (مشاهده منبع)

سازمان ملل متحد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۱۱ و بند ۴ ماده ۲۳. (مشاهده منبع)

گزارش‌ها و اسناد مربوط به مصر

بانک ناصر اجتماعی. «صندوق تأمین خانواده»، معرفی خدمت موضوع قانون ۱۱ سال ۲۰۰۴. تاریخ مشاهده: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۶. (مشاهده منبع)

سازمان دولتی اطلاع‌رسانی مصر. «تصویب پروژه قانون ایجاد و تنظیم صندوق تکافلی حمایت از خانواده مصر در هیئت وزیران». ۱۳ مه ۲۰۲۶. (مشاهده منبع)

بوابه الاهرام. گزارش ارجاع پروژه قانون صندوق تکافلی حمایت از خانواده مصر به کمیسیون‌های مشترک مجلس. ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶. (مشاهده منبع)

منابع لاتین

Barış Demirsatan, “Translating Mahr into Secular Categories: Turkish Civil Law and the Legal Characterization of an Islamic Institution.” Religions 17, no. 10 (2026): 1112. https://doi.org/10.3390/rel17101112

Bina Agarwal, “‘Bargaining’ and Gender Relations: Within and Beyond the Household.” Feminist Economics 3, no. 1 (1997): 1–51. https://doi.org/10.1080/135457097338799

Human Rights Watch. Divorced from Justice: Women’s Unequal Access to Divorce in Egypt. November 30, 2004. Section “The Family Insurance System Fund”. https://www.hrw.org/report/2004/11/30/divorced-justice/womens-unequal-access-divorce-egypt

Marilyn Manser and Murray Brown, “Marriage and Household Decision-Making: A Bargaining Analysis.” International Economic Review 21, no. 1 (1980): 31–44. https://doi.org/10.2307/2526238

Marjorie B. McElroy and Mary Jean Horney, “Nash-Bargained Household Decisions: Toward a Generalization of the Theory of Demand.” International Economic Review 22, no. 2 (1981): 333–349. https://doi.org/10.2307/2526280

Mohammad Reza Farzanegan and Hassan F. Gholipour, “Does Gold Price Matter for Divorce Rate in Iran?” Journal of Family and Economic Issues 39, no. 4 (2018): 588–599. https://doi.org/10.1007/s10834-018-9581-8

Shelly Lundberg and Robert A. Pollak, “Separate Spheres Bargaining and the Marriage Market.” Journal of Political Economy 101, no. 6 (1993): 988–1010. https://doi.org/10.1086/261912

Viola Corradini and Giulia Buccione, “Unilateral Divorce Rights, Domestic Violence and Women’s Agency: Evidence from the Egyptian Khul Reform.” Journal of Development Economics 160 (2023): 102947. https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2022.102947

Yossef Rapoport, Marriage, Money and Divorce in Medieval Islamic Society. Cambridge Studies in Islamic Civilization (Cambridge: Cambridge University Press, 2005). https://doi.org/10.1017/CBO9780511497506

Ziba Mir-Hosseini, “The Construction of Gender in Islamic Legal Thought and Strategies for Reform.” Hawwa 1, no. 1 (2003): 1–28. https://doi.org/10.1163/15692078-00101002